



بیس از تفکر و طراحی نقشه ذهنی، بنویسیم

شش آموزان عزیز نویسندگان جوان امروز می خواهند که «مهندسی نوشتن» را به شما هم پیشنهاد کنند. به شما هم پیشنهاد می‌کنیم که دست به کار شوید و برای نوشتن نقشه‌های یک تامل‌بخش‌های ان‌تقارن مهندسی کنید. این کار به معنای چیزی را به طور دقیق بررسی کردن است.

نوشته کتاب عقلا غشیا ساختن
مهندس و طراح غشیا ساختن نوش
زندگی شبیه مهندس و
تعمیلات خود

تکراس
پندسیس پیفتاس
وسلخدی وری ان زلفی
ساتخدی وری کافتی
طرو و کین کار
مستخدی وری
کرل وری
موریل وری
کین وری
معمول
رو صفت
هوش وری
شکل وری
فان وری
کل وری
نار وری
اسو وری
شمت
اک وری
وین وری
تور وری
طی وری
ان وری
ن وری
ن وری
چ وری

[illegible]

1. The first step in the process is to identify the problem or issue that needs to be addressed. This involves gathering information and understanding the context of the problem.

2. Once the problem is identified, the next step is to define the objectives and goals of the project. This helps to clarify what needs to be achieved and provides a clear direction for the team.

3. The third step is to develop a plan or strategy to address the problem. This involves breaking down the problem into smaller, manageable tasks and determining the resources needed to complete them.

4. The fourth step is to implement the plan. This involves putting the strategy into action and monitoring progress regularly to ensure that the project is on track.

5. The final step is to evaluate the results of the project. This involves assessing the outcomes against the objectives and goals and identifying any areas for improvement.



پس از تفکر و طراحی نقشه ذهنی، بنویسیم

اولین جلسه کلاس «مهارت‌های نوشتاری»، با ورود معلم، آغاز شد. دانش‌آموزان که از سال قبل، نوشتن را به‌طور رسمی و روشمند شروع کرده بودند، بی‌آنکه ترسی از نوشتن داشته باشند، قلم به دست، منتظر بودند تا معلم اصول دیگری از نوشتن را به آنها بیاموزد.

معلم، به چهره‌های شاد و آشنای دانش‌آموزان نگاه کرد و با لبخند گفت: «دانش‌آموزان عزیز، اگرچه می‌دانم، آموخته‌های پیشین را به‌خاطر دارید و برای آموختن مطالب تازه، بی‌تاب هستید؛ اما چون یادآوری بخشی از مطالب سال گذشته با درس‌های کتاب هشتم، مرتبط است، لازم می‌دانم، این جلسه به‌مرور آموخته‌های قبلی بپردازم.

امروز می‌خواهیم درباره «مهندسی نوشتن» با هم گفت‌وگو کنیم و سپس دست به کار شویم و برای بنای نوشته، نقشه‌ای بکشیم و تمام اجزا و بخش‌های آن را دقیق، مهندسی کنیم؛ مهندسی کردن به معنای چیزی را به‌طور دقیق، بررسی و اندازه‌گیری کردن است.

نوشته (کتاب، مقاله، انشا)، ساختمانی دارد و نویسنده هم مهندس و طراح نقشه این ساختمان (نوشته) است.

نویسندگی شبیه مهندسی و معماری است؛ یک معمار و مهندس، ابتدا نقشه عملیات خود را در ذهن و سپس روی کاغذ رسم می‌کند؛ پس از آن، عملیات ساختن و پی‌ریزی بنا بر پایه آن نقشه آغاز می‌شود.

من و شما هم که می‌خواهیم قلم به دست بگیریم و نگارش را شروع کنیم، نخست باید درباره موضوع کار خود، بیندیشیم و به نقشه ذهنی آن، خوب فکر کنیم و چهارچوب و ساختاری برای نوشتن در نظر بگیریم؛ آن چهارچوب یا ساختار را روی کاغذ بکشیم؛ بعد بر پایه این نقشه، نوشتن را شروع کنیم. این کارها درحقیقت همان مهندسی کردن و طراحی ساختمان نوشته است.

اگر در این باره بیندیشیم و نقشه راه را ترسیم کنیم و ابزار مورد نیاز را فراهم نماییم، آنگاه، می‌توانیم مهندسی نوشتن را آغاز کنیم و مطابق مراحل نقشه، پیش برویم».

ترکیب «مهندسی نوشتن» برای دانش‌آموزان تازگی داشت، به همین خاطر از معلم پرسیدند: «مهندسی نوشتن، دقیقاً یعنی چه؟»
معلم، لبخندی زد و گفت: «سؤال هوشمندانه‌ای پرسیدید. پاسخ به این سؤال یکی از نکته‌های کلیدی نوشتن است.

معمولاً تصوّر می‌شود، نوشتن با نگارش کلمات بر روی صفحه کاغذ شروع می‌شود؛ در حالی که چنین نیست. هر نوشته، پیش از خودنمایی بر پهنه کاغذ، در ذهن نویسنده، شکل می‌گیرد و طبقه‌بندی و تنظیم می‌شود. هر قدر این فرایند (طراحی و نقشه‌کشی، طبقه‌بندی ذهنی و نوشتن) کامل‌تر باشد، نوشته ما نظم و سامان بهتری خواهد داشت؛ بنابراین در مهندسی نوشتن، نقطه آغاز حرکت، «ذهن» است و خط پایان، تهیه پیش‌نویس نگارش در صفحه دفتر شماس.

اکنون باید مسیر ذهن تا صفحه دفتر را مشخص کنیم و ببینیم با کدام نقشه می‌توانیم؛ آنچه را که در ذهن داریم، آسان‌تر بر صفحه دفتر بیاوریم».

طبقه‌بندی ذهن، گام اوّل در تهیه نقشه نوشتن است. این طبقه‌بندی، در حقیقت، ساختمان ذهن و نوشته ما را نشان می‌دهد. در نمایه زیر، مسیر حرکت، مراحل نوشتن و چهارچوب نوشته را می‌بینیم:

موضوع

مقدمه
(زمینه‌سازی)

تنه / بدنه

نتیجه
(جمع‌بندی)

شکل‌گیری چنین ساختاری در ذهن نویسنده، مسیر نوشتن را برای او هموار می‌سازد و زمانی که شروع به نوشتن می‌کند؛ برایش کاملاً روشن است که چه می‌خواهد بنویسد. نتیجه

این طبقه بندی ذهنی و تسلط بر مطلب، نوشتن متنی دقیق و منسجم است.
 شکل زیر، ساختمان ساده و طبقه بندی اولیه ذهن و نوشتن را، نشان می‌دهد.

موضوع

بند مقدمه (زمینه سازی)

بندهای بدنه شامل

بند اول

بند دوم

بند سوم

بند نتیجه (جمع بندی)

اکنون نوشته بعد را با هم بخوانیم و به نقشه ذهنی و ساختمان نوشته، توجه کنیم.
 نویسنده، از چاشنی طنز هم به خوبی، بهره گرفته است:

بند مقدمه
(زمینه سازی)

حتماً شما ضرب المثل «شیر تو شیر شدن» را شنیده اید؛ این مثل زمانی به کار می رود که همه چیز قاطی و درهم بشود و کار از دست کاردان در برود. فکر می کنم حکایت زیر مثال خوش مزه ای برای این موضوع باشد.

بند بدنه

همین که برنامه کیک پزی تلویزیون شروع شد. خانم، فوراً شوهرش را که تندنویسی می دانست؛ صدا کرد و از او خواست که دستور پختن کیک را بنویسد.

شوهر که داشت با علاقه، به دستورهای ورزشی یک شبکه رادیویی گوش می داد، چشمش به تلویزیون، دستش به قلم و گوشش به رادیو، شروع به نوشتن کرد. اشکال اساسی این بود که دستورهای پخت کیک، با دستورهای ورزشی قاطی می شد. لذا وقتی تندنویس، آن دستورات را نوشت و به خانم تقدیم کرد، خانم این طور خواند:

به شماره یک، دست ها روی شکم، یک پیاله آرد، روی شانه قرار دهید، مقداری کشمش بریزید به طوری که پاشنه پا روی آن قرار گیرد. همین که رنگ کشمش تغییر کرد، یک پا را بلند کنید و مقدار آب را بیشتر کنید به طوری که تا زانویتان بیاید.

حالا یک الک خیلی ریز را روی شکم گذاشته، پاها را جمع نموده و با شماره پنج، بریزد. به پشت بخوابید و با شکمتان در میان زرده تخم مرغ به چپ و راست بغلتید تا زرده تخم مرغ به بدن شما برسد. هرچه بیشتر، روغن مالی شوید، اثر این حرکت بیشتر نمایان می شود.

کاملاً سرتان را خم کنید و سعی کنید که دست هایتان روی آتش بماند؛ بعد به شماره سه، دست ها را بلند کنید. بگذارید سرد شود. آن گاه، هر دو دست را از آرنج بیندازید و روی کیک بمالید.

سر را به طرف جلو برده، روی آتش، یک چرخ بدهید؛ بعد آن را به عقب خم کرده، سرپوش رویش بگذارید که دم کند. بعد سر را به شماره چهار، قطعه قطعه، بریده با حوله خشک کنید، در بشقاب چیده، به مهمان تعارف کنید.

بند نتیجه
(جمع بندی)

حالا فکر می کنید، کیکی را که خانم خانه با این دستور ببزد، چه مزه ای می دهد؟ شور است، ترش است، شیرین است، سفت و تپلی است و یا شل و کشیده؟ باید خورد تا قضاوت کرد.

♦ ابوالقاسم حالت، با کاهش و ویرایش





◆ نوشتهٔ زیر با چاشنی طنز نوشته شده است. این نوشته را بخوانید و ساختمان آن را مشخص کنید.

ضرورت بازنویسی

معمولاً آثار نویسندگان بزرگ، چند بار پیش‌نویس می‌شوند و نویسنده‌ها هم تأیید می‌کنند که پیش‌نویس اول، لازم نیست حتماً بی‌نقص باشد.

بسیاری از نویسنده‌ها خیلی رُک و پوست‌کنده به شما خواهند گفت که اولین پیش‌نویس اثرشان، جنایتی در حق بشریت است. اما آنها به هر حال این پیش‌نویس اول را می‌نویسند، چون هیچ‌کس نمی‌تواند بدون نوشتن پیش‌نویس اول، نسخه یا پیش‌نویس دوم بنویسد.

اکثر نویسندگان در دو حالت متفاوت، کار می‌کنند: حالت خلاق و حالت ویرایشی. حالت خلاق: در این حالت شما به خودتان اجازهٔ امتحان کردن کارهای جدید را می‌دهید و در عین حال به این مسئله آگاهید که این کارها ممکن است درست باشد و یا ممکن است نادرست باشد. مزخرف نوشتن در حالت خلاق، اشکالی ندارد. پس سعی کنید وقتی خلاق هستید، کمی در نوشتن، بی‌پروا باشید.

حالت ویرایشی: در حالت ویرایشی، هدف شما جمع و جور کردن افتضاحی است که در حالت خلاق به بار آورده‌اید. در این حالت، شما آنچه را نوشته‌اید، جوری بازنویسی و اصلاح می‌کنید که معنی بدهند.

خشکی قلم و ناتوانی در نوشتن، زمانی اتفاق می‌افتد که نویسنده سعی می‌کند، هم‌زمان در دو حالت خلاق و ویرایشی بنویسد. هرگز این کار را نکنید. این کار مثل این است که موقع رانندگی یک پا را روی گاز بگذارید و با پای دیگر ترمز بگیرید. کمی نوشتن و بعد کمی ویرایش کردن اشکالی ندارد؛ همان‌طور که از قدیم گفته‌اند: اول بنویس؛ بعد درستش کن.

به خودتان اجازه دهید، پیش‌نویس اولیهٔ بدی بنویسید و این جمله را روی یک تکه کاغذ بنویسید: «من اختیار تام دارم که یک پیش‌نویس چرند بنویسم؛ چون پیش‌نویس اکثر نویسندگان چرند هستند؛ نوبت به اصلاح که رسید؛ درستش می‌کنم». پس اولین کاری که به عنوان یک نویسنده، انجام می‌دهید، باید این باشد که به خودتان اجازهٔ نوشتن یک پیش‌نویس اولیه را بدهید.

◆ (داستان نویسی، اینگرمنشن و اکونومی)

◆◆ اکنون پس از انتخاب موضوع دلخواه، سفر نوشتن را آغاز کنید. با توجه به نقشه نوشتن که در درس آموختید، به سمت مقصد حرکت کنید.



◆◆◆ نوشته‌هایی را که دانش‌آموزان (از تمرین ۲) در کلاس می‌خوانند؛ بر پایهٔ معیارهای زیر، بررسی و نقد کنید.

معیارهای ارزیابی :

- ◆ پیش‌نویسی (داشتن نگاشتِ اوّل)
- ◆ رعایت طبقه‌بندی ذهن و نوشته (مقدمه، بدنه و نتیجه)
- ◆ پیراسته‌نویسی (رعایت نشانه‌های نگارشی، نداشتن غلط املائی، توجه به درست‌نویسی، حاشیه‌گذاری)
- ◆ شیوهٔ خواندن

نتیجهٔ بررسی و داوری

.....

.....

.....

.....

.....

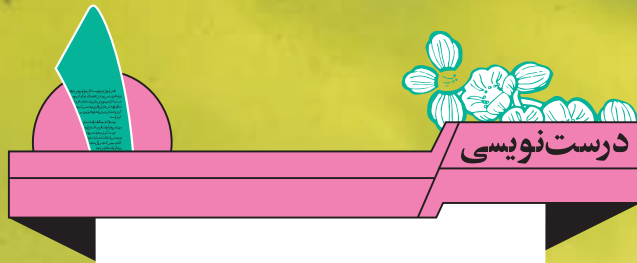
.....

.....

.....

.....

.....



♦ او، گاهی، به سفر می‌رود.

♦ او، گاهاً به سفر می‌رود.

جملهٔ اوّل، درست است؛ زیرا تنوین نشانهٔ ویژهٔ کلمات عربی است. واژه‌های فارسی (دوم، ناچار) نیازی به این نشانه ندارند. به کارگیری این نشانه برای واژه‌های فارسی و غیرعربی، روا نیست.

♦ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

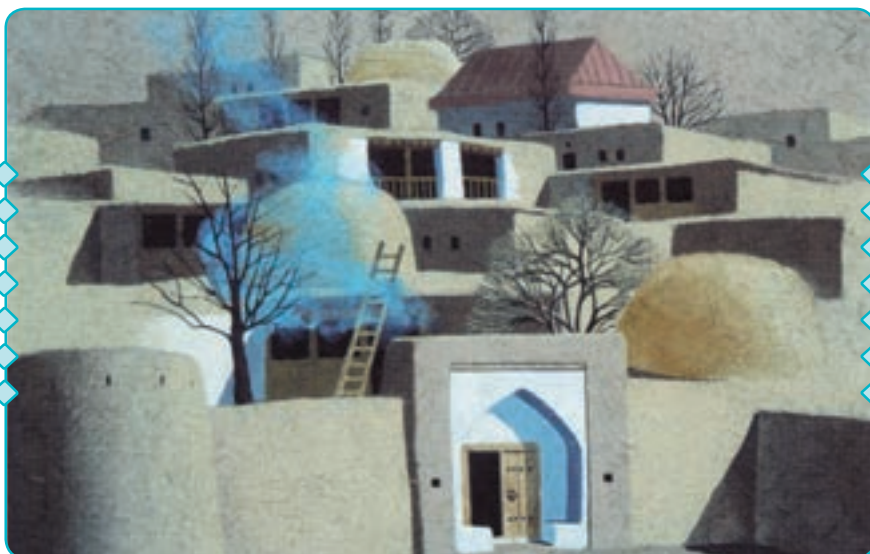
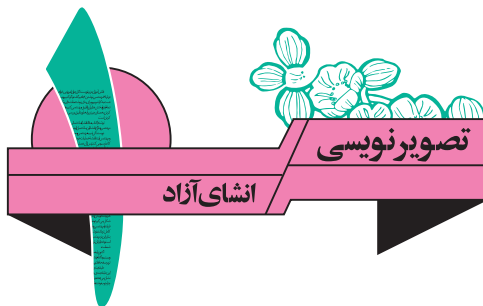
♦ این موضوع را تلفظاً به دوستم گفتم.

.....

♦ برای حفظ میهن جاناً و مالاً باید تلاش کرد.

.....

♦ یکی از دو تصویر زیر را انتخاب کنید و درباره آن بنویسید. پس از اینکه نوشته‌تان را در کلاس خواندید، دوستان شما باید تشخیص دهند که انشای شما، مربوط به کدام تصویر است.





A large, blank, lined area for writing, framed by a blue border. The lines are horizontal and evenly spaced.

